

نمودار قیمت، منحنی توالی قیمتها است که با گذشت زمان تشکیل می شود. به شکل 2-1 دقت کند.



شکل 2-1

در نمودار قیمت، محور Y (محور عمودی) نشان دهنده قیمت و محور X (محور افقی) نشان دهنده زمان است. قیمتها در طول محور X از چپ به راست نشان داده می شوند. آخرین قیمت در انتها الیه سمت راست خواهد بود. شکل 2-1 ارزش یورو و دلار آمریکا را از ژانویه سال 1999 تا اکتبر سال 2004 نسبت به یکدیگر نشان می دهد. عدد 1.2283 به عنوان آخرین برابری به این معناست که یک یورو در آخرین لحظه معادل 1.2283 دلار آمریکا بوده است. تحلیلگران فنی از نمودارها برای تحلیل حجم وسیعی از اوراق بهادار و همچنین پیش بینی تحرکات آینده قیمت استفاده می کنند. کلمه "اوراق بهادار" به هر ابزار مالی قابل معامله یا هر شاخص کمیت پذیر مانند سهام، اوراق قرضه، کالا (نفت، طلا، گندم و...)، شاخصهای بازار، ارز (نسبت به ارز دیگری) و... اطلاق می شود. هر ورق بهادار به همراه اطلاعات قیمت، می تواند در یک دوره مشخص برای ایجاد یک نمودار جهت تحلیل به کار گرفته شود.

از آنجا که نمودار نمایش گرافیکی ساده ای از تحرکات قیمت اوراق بهادار در طول یک دوره زمانی مشخص را ارائه می دهد، برای تحلیلگران بنیادی نیز می تواند بسیار مفید باشد. یک تاریخچه گرافیکی می تواند تعیین میزان تاثیر عوامل کلیدی موثر بر قیمت اوراق بهادار، عملکرد آن در طول یک دوره زمانی و تشخیص قیمت بالا، پائین و یا حد وسط معامله را آسان سازد.

چگونه نمودار رسم کنیم؟

نمودارها سوابق حرکات قبلی بازار هستند. آینده چیزی جز تکرار گذشته نیست. هیچ چیز تازه ای وجود ندارد، تاریخ تکرار می شود و با قوانین و نمودارها مشخص می کنیم که چه وقت و چگونه این تکرار صورت می گیرد. بنابراین اولین و مهمترین نکته ای که باید بیاموزیم رسم صحیح نمودار است، چرا که اگر در نمودار اشتباهی داشته باشیم، در کاربرد قوانین برای معامله خود دچار اشتباه می شویم.

نمودارها چگونه شکل می گیرند؟

در این قسمت نمودارهای خطی، شمعی، ستونی و نقطه-عدد تشریح می شود. با آنکه برای نشان دادن قیمت، متدهای دیگری نیز موجود است، اما چهار نمودار یادشده بیشترین مورد استفاده را برای نمایش داده ها دارند.

نمودار خطی از به هم پیوستن قیمت های پایانی در یک دوره زمانی مشخص شکل می گیرد. برخی تحلیلگران معتقدند قیمت پایانی مهمتر از قیمت اولیه، پائین یا بالاست. البته توجه صرف به قیمت پایانی باعث نادیده گرفتن نوسانهای طول دوره زمانی شده و در نتیجه نمودار به دست آمده از دقت بالایی برخوردار نخواهد بود.

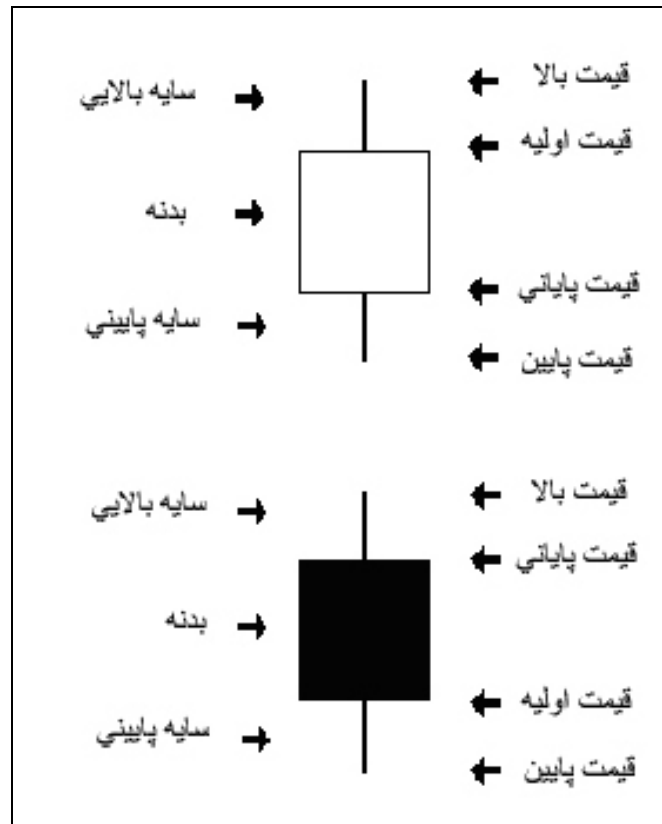


شکل 2-2

شکل 2-2 مربوط به سهام KO (Coca Cola) است و نمودار خطی روزانه نوسان KO را در سال 2002 نشان می دهد. این نمودار از به هم پیوستن قیمت های پایانی (آخرین قیمت) در هر روز شکل گرفته است.

نمودار شمعی (Candlestick Chart)

نمودار شمعی در ژاپن متولد شد و در سال های اخیر طرفداران بسیاری پیدا کرده است. یک نمودار شمعی بر اساس قیمت های اولیه، بالا، پائین و پایانی شکل می گیرد. نمودار شمعی هفتگی بر مبنای قیمت اولیه (دوشنبه در کشورهای خارجی)، نوسان قیمت بالا و پائین در طول هفته و قیمت پایانی (جمعه در کشورهای خارجی) رسم می شود.



شکل 2-3

بسیاری از معامله گران و سرمایه گذاران معتقدند، خواندن نمودارهای شمعی آسان است. زیرا وقتی قیمت پایانی بالا تر از قیمت اولیه است، شمعی توخالی شکل می گیرد و نشان دهنده افزایش قیمت در آن دوره زمانی است. در مقابل زمانی که قیمت پایانی، پایین تر از قیمت اولیه باشد شمعی توپر تشکیل می شود و بیانگر کاهش قیمت در آن دوره زمانی است. قسمت توخالی و توپر که از قیمت های اولیه و پایانی شکل گرفته، بدنه (Body) نامیده می شود. خطوط بالا و پایین، سایه (Shadow) نامیده می شوند و نشان دهنده بالاترین و پایین ترین قیمت دوره می باشد. شکل 2-4 نمودار شمعی هفتگی دلار آمریکا در برابر دلار کانادا را نشان می دهد، هر شمع قیمت اولیه (Open)، بالا (High)، پایین (Low) و پایانی (Close) یک هفته را نشان می دهد.



شکل 2-4

مزیت نمودارهای شمعی نسبت به سایر نمودارها نشان دادن سیر نزولی یا صعودی روند بازار در هر دوره زمانی است که وضوح بالایی دارد.

نمودار ستونی (Bar Chart)

برای ساختن نمودارهای ستونی مانند نمودارهای شمعی، آگاهی به قیمت‌های اولیه، بالا، پائین و پایانی هر دوره زمانی لازم است. قیمت‌های بالا و پائین به شکل ستون عمودی نشان داده می‌شوند و قیمت‌های اولیه و پایانی خط‌های کوتاه افقی است که ستون عمودی را قطع می‌کند. قیمت اولیه با یک خط افقی در سمت چپ ستون و قیمت پایانی با یک خط افقی در سمت راست میله مشخص می‌شود. شکل 2-5 نمودار ستونی هفتگی سهام CAT (Caterpillar) را نشان می‌دهد.

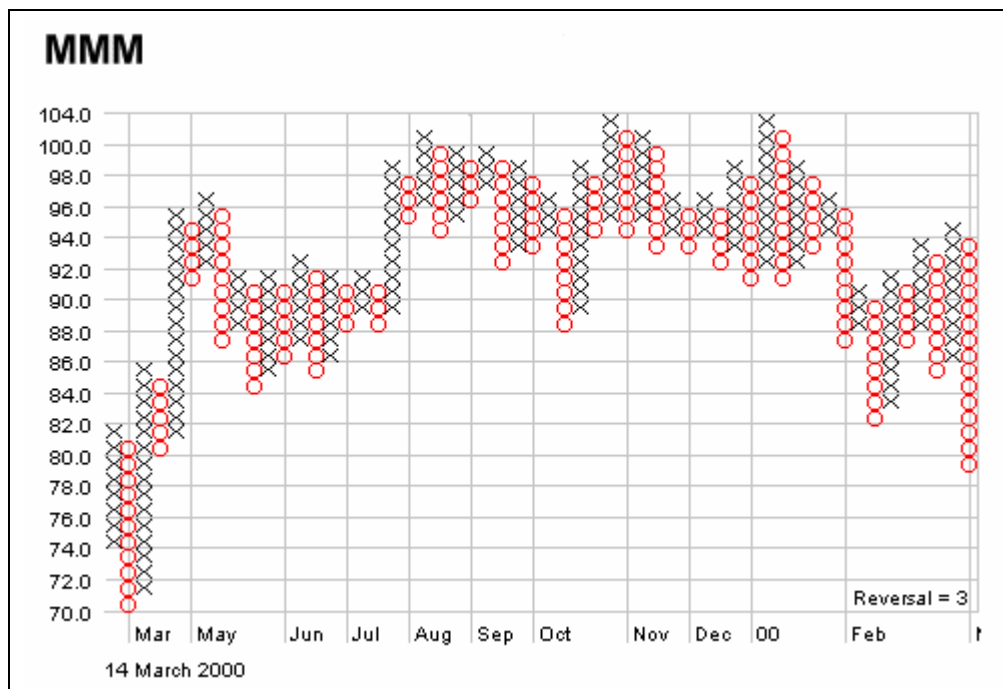


شکل 2-5

نمودارهای ستونی برای نمایش مقادیر بالایی از داده ها مناسب هستند. در نمودارهای شمعی بدلیل اشغال کردن فضایی زیاد، باعث بی نظمی می شود، در مقابل نمودارهای خطی کمتر فضا اشغال می کنند و جزئیات زیادی را ارائه نمی دهند (بالارو یا پایین رو بودن قیمت در یک دوره زمانی بوضوح مشخص نیست). ستون هایی که نمودار ستونی را تشکیل می دهند، نسبتاً باریک هستند تا کاربران بتوانند ستونهای بیشتری را در صفحه نمایش مشاهده کنند.

نمودارهای نقطه و عدد (Point and Figure Chart)

همه محققان در رسم نمودارهایی که تشریح شدند، به ازای هر دوره زمانی یک نقطه داده رسم می کنند. بر خلاف این روشها، نمودارهای نقطه و عدد هستند که صرفاً بر تحركات قیمت تکیه دارند و زمان را به حساب نمی آورند. شکل 2-6 یک نمونه نمودار نقطه و عدد است که X ستونهای افزایشی و O ستونهای کاهششی را نشان می دهد.



شکل 2-6

زیبایی این نمودارها در سادگی آنهاست. تغییر قیمت اندک یا عدم تغییر آن بی معنی محسوب شده و روی نمودار نشان داده نمی شود. فقط تغییرات قیمتی که از سطوح مشخص فراتر رود، روی نقشه ثبت می شود. این تأکید بر تغییرات قیمت، شناسایی ترازهای پشتیبان (Support) و مقاومت (Resistance) را آسان تر می سازد. در بخشهای بعدی در مورد ترازهای پشتیبان و مقاومت توضیحات دقیق تری ارائه خواهیم داد.

دوره زمانی (Timeframe)

دوره زمانی یک بازه مشخص زمانی، مثلاً یک روز، یک هفته یا یک ماه است. برای اینکه رفتار سهمی را طی یک سال بررسی کنیم، می توانیم متناسب با نیاز، یک سال را به 12 ماه، 52 هفته یا 365 روز تقسیم کنیم. با تقسیم ماهیانه برای هر ماه یک قیمت پایانی و مجموعاً 12 قیمت پایانی داریم. در این حالت واحد زمان بر روی محور X نمودار، ماه است و نمودار از 12 نقطه تشکیل می شود. اگر از تقسیم هفتگی استفاده کنیم، برای هر هفته یک قیمت پایانی و مجموعاً 52 قیمت پایانی داریم. در این حالت واحد زمان بر روی محور X نمودار، هفته است و نمودار از 52 نقطه تشکیل می شود. با تقسیم بندی روزانه برای هر روز یک قیمت پایانی و تقریباً 260 قیمت پایانی داریم. در این حالت واحد زمان بر روی محور X نمودار، روز است و نمودار از 260 نقطه تشکیل می شود (فقط روزهای کاری محاسبه شده اند). برای بررسی حرکتی کلی از دوره زمانی های بزرگ و برای بررسی جزئیات از دوره زمانی های کوچکتر استفاده می کنیم.

چگونه دوره زمانی را انتخاب کنیم؟

دوره زمانی مورد استفاده برای یک تحلیل، به سبک سرمایه گذاری و تاکتیک تحلیل بستگی دارد. داده ها می تواند ساعتی، روزانه، هفتگی، ماهانه، فصلی یا سالیانه باشد. هر چه داده ها از فشردگی کمتری برخوردار باشند، جزئیات بیشتری به نمایش در می آید.

نمودار روزانه از داده های ساعتی که به صورت فشرده در آمده است تا هر روز را به صورت یک نقطه واحد نشان دهد، تشکیل می شود. نمودار هفتگی از داده های روزانه فشرده شده ای تشکیل می شود که هر هفته را به صورت یک نقطه واحد نشان می دهد. شکل 2-7 نمودار روزانه یورو در برابر دلار آمریکا است که 20 روز آن با کادر مستطیلی مشخص شده است.



شکل 2-7

شکل 2-8 همان دوره زمانی یورو در برابر دلار آمریکا است که با نمودار 4 ساعته نشان داده شده است. همانطور که در شکل مشخص است، شکل کلی تقریباً یکسان است ولی نمودار 4 ساعته جزئیات بیشتری را به ما نشان می‌دهد. همیشه برای بررسی روند کلی از دوره زمانی طولانی مدت استفاده می‌کنیم. دوره های زمانی کوتاه مدت برای انتخاب دقیق تر نقاط معاملاتی به کار می‌رود.



شکل 2-8

اغلب معامله گران برای پیش بینی تحرکات قیمت در کوتاه مدت به نمودار هایی که از داده های ساعتی تشکیل می‌شوند، توجه می‌کنند. هر چه زمان کوتاه تر و فشردگی داده ها کمتر باشد، جزئیات بیشتری در دسترس خواهد بود.

نمودار های کوتاه مدت با آنکه از جزئیات بیشتری بر خوردارند، می توانند از ثبات کمتری بر خوردار باشند. سرمایه گذاران اغلب به بررسی نمودارهای روزانه، هفتگی و ماهانه می پردازند تا روند دراز مدت را تعیین کنند. نمودارهای دراز مدت برای تحلیل یک تصویر کلی مناسب هستند و چشم انداز وسیعی از تاریخچه عملکرد قیمت ارائه می دهند. زمانی که تصویر کلی مورد تحلیل قرار گرفت، می توان جهت تمرکز بر آخرین وضعیت از یک نمودار کوتاه مدت استفاده کرد. قواعد اصلی تحلیل فنی در دوره های زمانی مختلف به قوت خود باقی هستند. معمولا هر چه دوره زمانی کوتاه تر باشد، پیش بینی بازار و سود بردن از تغییر قیمتها به دلیل کوتاهی فرصت برای تصمیم گیری مشکل تر می شود.

با وجود اینکه روشهای نموداری بسیار متنوعی در دسترس هستند، لزوما هیچ یک از آنها نسبت به دیگری برتری ندارد. ممکن است داده ها یکسان باشد اما هر روشی تعریف خاص خود را با مزایا و نقاط ضعف خاص خود دارد و عملکرد قیمت در تمام نمودارها یکسان است. انتخاب روش نمودار سازی به سلیقه شخصی و سبکهای معامله و سرمایه گذاری بستگی دارد. وقتی یک روش خاص نمودار سازی را انتخاب کردید، بهترین کار این است که آن را رها نکنید و یاد بگیرید چگونه به بهترین نحو علائم را بخوانید. کلید تحلیل نموداری موفق صرف وقت، تمرکز و تداوم است.